

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مطالب جلسه ۳۴ درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله

سال تحصیل ۹۸ - ۹۹

اشکال دوم در رابطه عدالت و دموکراسی:

آنچه مسلم است و همه آن را قبول دارند این است که انسان فی نفسه خطا کار است و انسان فی نفسه به دنبال منافع خود می رود، اگر عدل را قبل الانسانی ندانیم، نمی توان معیار درستی برای عدل یافت و توافق بر یک معیار نظری برای عدل هم کافی نیست؛ زیرا اینکه گفته شود «عدل این است» و بر آن توافق حاصل شود، در مقام عمل هر شخصی آنچه را خود انجام می دهد، مصداق همان معیارها می داند و هر شخص به طریق خود به اجرای آن معیارهای کلی می پردازد؛ لذا تا زمانی که معیار عینی عدل وجود نداشته باشد که مصادیق را با آن تطبیق کنند، نمی توان به عدل دست یافت.

در نظام اسلامی خدای متعال عین العدل است و از انبیا و اوصیا به عنوان «میزان» تعبیر می کند و آنان را با قوه عصمت، معیار عینی عدل قرار داده است؛ لذا آنها شاهدانند و اگر کسی مصداق عینی عدل را می خواهد ببیند باید به آنها نگاه کند و عدل با آنها سنجیده می شود. و در دوران غیبت هم کسانی که بیشترین قرب و نزدیکی به این «میزان» را دارند، برای حکومت انتخاب شدند که فقیهان عادل باشند.

اگر این سنجه وجود نداشته باشد هر شخصی و هر گروهی خودش را مجری آن عدل قرار می دهد؛ مانند معاویه و یزید که خودشان را خلیفه رسول معرفی کردند ولی چه جنایاتی که انجام ندادند.

اشکال سوم:

عدل در سیستم دموکراسی در عالم نظر هم مفهومی پیدا نمی کند و آنچه را عقل ادراک می کند حُسنِ عدل است اما اینکه چه چیزی حَسَن است و چه چیزی مصداق عدل است

را عقل درک نمی‌کند و انسان‌ها همیشه در مصداق عدل اختلاف دارند؛ لذا نمی‌توان برای عدل به مفهوم جامع و مورد اتفاقی دست یافت. اگر هم اتفاق نظر عقلا حاصل شود، اتفاق مختلفی می‌شود و در اعصار و جوامع مختلف این توافق، توافق متفاوتی است. بنابراین در نظام دموکراسی معیاری که تشخیص بدهد کدام درست است و کدام نادرست است وجود ندارد؛ نتیجه‌اش همین می‌شود که هر جنایتی را که بخواهند، توجیه می‌کنند و راهی برای لاپوشانی و تحریف حقایق و ارزش‌ها باز می‌کنند.

نقد ششم:

مسئله دموکراسی و مسئولیت

آیا انسان مسئول است و در برابر یک مرجع بالاتر مسئولیت دارد یا خیر؟ در نظام سیاسی اسلامی که ما معتقد به وجود خدای متعال هستیم، یکی از صفات مهم ذکر شده برای ذات حق، «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ»^۱ است، یعنی خدایی وجود دارد که اوزیر سوال نمی‌رود؛ اما او دیگران را مورد سوال قرار می‌دهد. دلیل اینکه او مورد سوال نیست: اولاً به این علت که وجودی بالاتر از او وجود ندارد، ثانیاً او عین‌العدل و عین‌الکمال است و عدل و کمال برای او ذاتی است و از کسی که عین‌العدل است و عدل برای او ذاتی است، سوال نمی‌پرسند که چرا عدلی؟ زیرا او خود عدل است. بلکه از کسی که از عدل تخطی کرده است می‌پرسند که چرا عدل را رعایت نکردی؛ لذا دیگران در برابر خداوند مسئولند و مورد سوال قرار می‌گیرند. اما در نظام لیبرال دموکراسی چه مرجعی وجود دارد که انسان در برابر او پاسخگو و مسئول باشد؟

ممکن است گفته شود حاکمان در برابر جامعه مسئولند و باید به جامعه پاسخگو باشند؛ لکن به چه دلیلی انسان باید در برابر جامعه مسئول باشد؟ در حالی که ممکن است جامعه خطا کند و آن یک انسانی که در مقابل آن جامعه است درست رفتار کند. در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که جوامعی را که خطا کرده‌اند را بیان می‌کند، جوامعی از مستضعفان و مستکبران تشکیل شده است و مردم هم به تبع مستکبران خطا کرده‌اند. و نیازی به قرآن هم نیست و تاریخ جامعه در پیش روی ماست و ما می‌بینیم؛ آیا این جنگ‌ها را فقط حاکمان به راه انداختند؟ یا مردم پشتیبانی‌شان کرده‌اند؟ اگر از هیتلر حمایت نمی‌کردند می‌توانست جنگ به راه بیندازد؟ اینها نشان می‌دهد جامعه هم خطا می‌کند. همیشه افرادی که به دنبال اصلاح بودند، کم بودند و در مقابل جامعه‌ی خطاکار قرار می‌گرفتند. لذا در خود جامعه هم امکان خطا وجود دارد و جامعه هم خود باید پاسخگو باشد.

خلاصه اینکه تا یک مرجع فوقانی که عین‌الحق است را نپذیریم، هیچ توجیهی برای مسئولیت انسان نمی‌توان یافت.

پایان